

دولت تدبیر و امید حتی نتوانست یک مشکل را در سینما حل کند

علیرضا رئیسبان کارگردان سینما در رابطه با انتظارات سینماگران از مدیریت سینمای کشور گفت: کمترین انتظار ما این است که اوضاع از آن چه که هست بدتر نشود. چرا که متأسفانه ما با وضعیتی در سینما مواجه هستیم که هر مدیری می‌آید فقط توقعات بیشتری ایجاد می‌کند اما در عمل هیچ اتفاق مهمی در سینما رخ نمی‌دهد. رئیسبان افزود: بی‌توجهی به مشکلات و انتظارات اهالی سینما توسط مدیران باعث ایجاد دلسردی و بی‌انگیزی در میان بسیاری افراد شده است؛ ساختار نامتوازن دولتی که خودمدیران بارها به آن اذعان کرده‌اند بزرگ‌ترین مشکل امروز سینمای ایران است اما اسفا که هیچ شهامت و جسارتی در میان مدیران برای رفع این معضل بسیار مهم دیده نمی‌شود و هیچ مدیری رأس کار نمی‌آید که دست به تغییرات ساختاری بزند. وی ادامه داد: سازمان سینمایی باید به‌روز شود و هم‌پای جریانات واقعی سینمای ایران دربیاید؛ این سازمان عرضی و طولی و بی‌انگیزه و حتی در برخی مواقع مزاحم برای سینما و سینماگران، دیگر کارساز نیست و خود مدیران هم به این مسأله مهم واقف هستند و حتی در مصاحبه‌های‌شان این مطالب را متذکر می‌شوند.

□ □ □

سینما باید برای خود رسالتی قائل باشد



مصطفی کاظمی گفت: محورهایی که در پژوهش سینمایی سال گذشته و امسال مطرح شده، هر کدام ویژگی خوبی دارند اما سوال این است که سینمای کشور بعد از انقلاب در باره چالش‌های اصلی کشور چطور توانسته ایفای نقش کند. عضو شورای سیاست‌گذاری دومین جایزه پژوهش سینمایی ادامه داد: امروز در کشور چندین چالش داریم که مردم به آن مبتلا هستند، باید دید سینما در این چالش‌ها چه نقشی می‌تواند ایفا کند. چالش‌هایی مانند آب و معضلات فرهنگی این که جامعه در آینده با ظهور تکنولوژی‌های جدید تا چه اندازه درونگرا و چقدر بیرون‌گرمی شود و از نظر فرهنگی چه تبعاتی به دنبال خواهد داشت. این موضوعات که به جنبه فرهنگی و ملموس دارند بسیار دارای اهمیت است که متأسفانه در کشور این مسأله را جدی نمی‌گیرند، بنابراین باید دید سینما در این زمینه چه رسالتی برای خود قائل است. مصطفی کاظمی افزود: به تازگی در غرب فیلمی به نام her ساخته شد که از بروز یک چالش در روابط فردی و اجتماعی و دور شدن انسان از جامعه و رفتن به فضای مجازی است صحبت می‌کند. به‌طور کلی زمانی زمینه بروز فناوری‌های جدید فراهم می‌شود که سینما بتواند به خوبی آن‌را بیان کند. ممکن است هر فرد از یک زاویه به این فیلم نگاه کند اما در وهله اول باید به عنوان این که به یک چالش می‌پردازد به آن نگاه کرد. کاظمی با بیان این که سینما برای پرداختن به چنین چالش‌هایی باید برای خود رسالتی قائل باشد ادامه داد: اگر چنین اتفاقی بیفتد در ابتدا باید پژوهش در حوزه سینما وارد عمل شود و به حرکت درآید و در ابتدای امر به این موضوع بپردازد که سینما با چه کمیت و کیفیتی می‌تواند ورود پیدا کند.

□ □ □

در جشنواره چین انتخاب شد گلاب آدینه؛ بهترین بازیگر زن خارجی

گلاب آدینه، بازیگر سینمای ایران برای بازی در فیلم سینمایی «دوباره زندگی» ساخته رضا فیهمی، به‌عنوان بهترین بازیگر زن خارجی بیست‌وهفتمین دوره جشنواره خروس طلایی و صدگل کشور چین انتخاب شد. حسین پورمحمدی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «دوباره زندگی» به جای گلاب آدینه در این جشنواره حاضر شد و این جایزه را دریافت کرد. ژولیت بینوش نیز که در گذشته با عباس کیارستمی همکاری کرده بود، به‌عنوان بهترین بازیگر زن خارجی از نگاه تماشاگران انتخاب شد. فیلم ایرانی «دوباره زندگی» با کارگردانی رضا فیهمی و تهیه‌کنندگی حسین پورمحمدی ساخته شده‌است. گلاب آدینه بازیگر سینمای ایران است که برای اولین بار با بازی در فیلم سینمایی «چوپانان کویر» ساخته حسین محبوب، محصول سال ۱۳۵۹ به‌سینما وارد شد. این بازیگر پس از این در فیلم‌هایی مانند «رسول پسر ابوالقاسم»، «بهترین بابای دنیا»، «گل بخ»، «زندان زنان» و «آبچی» نقش آفرینی کرده‌است.

«خانم یا یا»؛ هم‌دلی از هم‌زبانی خوش تر است!

فیلمی بدون داستان و بدون تماشاگر

فیلم، فیلم‌نامه در ست و درمانی ندارد. احتمالاً اصلاً فیلم‌نامه‌ای در کار نیست. یک داستان سه خطی در جریان است که به کمک و تلاش دو چهره سینمایی که اغلب نماد بلاهت‌اند، و نیز با استفاده از جاذبه‌های زاننه خانم یا یا و آزادی‌های کشورش، به‌زور پیش می‌رود. تلخ‌ترین بخش ماجرا این است که عده زیادی با استفاده از تخفیف روز شنبه که از قضا اولین روز اکران فیلم هم هست، برای تماشای فیلم آمده‌اند و نیم ساعت پس از شروع فیلم دسته‌دسته سالن را ترک می‌کنند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

فیلم: خانم یا یا نویسنده و کارگردان: عبدالرضا کاهانی

بازیگران: حمید فرخ‌نژاد، رضا عطاران، نیتایا چرسی و با حضور امین حیایی

مدیر پرورژه: تهاناتپون سینپونکوند

□ □ □

داستان نداردیم!

فیلمی که اساساً داستان ندارد، درباره دو باجناق است که پس از سفر به چین و خرید جنس برای مغازه خود، شیطنت می‌کنند و بدون اطلاع دادن به همسران‌شان، به «پاتایا» می‌روند. آن‌ها از قبل عکس دختری را در گوشی خود دارند که نامش را «خانم یا یا» گذاشته‌اند. و هم در مسیر سفر و هم در خود شهر پاتایا، به هر کجا که روی می‌کنند و می‌روند، این دختر را می‌بینند و لاغیر. و با این که در موقعیت‌های مختلف مدام با او مواجه می‌شوند، اما جرات این را که با او به گردش و یا به هتل خود بروند، ندارند. به همین دلیل تصمیم می‌گیرند به تهران بازگردند. اما

این بار دختر در آژانس هواپیمایی ظاهر می‌شود و آن‌ها را از بازگشت منصرف و ترغیب‌شان می‌کند که در شهر بگردند و به جاهای دیدنی بروند. اما مواجهه با سوسک‌خوری خانم یا یا، حال آن‌ها را بد می‌کند و باعث می‌شود به هتل برگردند و خود را در اتاق زندانی کنند. اما در اتاق هتل، در استخر و در همه جا، صدای خانم یا یا را می‌شنوند که آن‌ها را صدا می‌کند و دست‌از سر این دو باجناق بر نمی‌دارد. مرتضی و ناصر (فرخ‌نژاد و عطاران) از سویی هم خواهان این دختر هستند و از سویی می‌ترسند؛

می‌ترسند کسی از آن‌ها عکس بگیرد. از نظر اخلاقی می‌ترسند بر روی اصول و اعتقادات‌شان پا بگذارند و ... همه این‌ها موجب می‌شود که آن‌ها در شهر رویایی پاتایا، دچار کابوس شوند و در غذایی جانگاہ دست و پا بزنند. بالاخره هم اتفاقی که از آن می‌ترسیدند می‌افتد و یکی از همکاران قدیم، از آن‌ها در یک سالن ماساژ مردانه به همراه خانم یا یا، عکس می‌گیرد و شروع می‌کند به اخاذی از آنان. احتمالاً در روند رسیدن به ماجرای اخاذی به نظر دست خانم یا یا هم در کار باشد.

یادداشت

اصول بهره‌مندی از آزادی را باید فرا گرفت

هنجارها و قوانین، مانعی برای تفریح کردن آن‌ها در کشوری موسوم به محل خوشگذرانی می‌شود. صرف‌نظر از اینکه شاهد چیدمان مجموعه‌ای از سکانش‌های پوچ، بی‌سرت‌و‌و بدون هیچ‌ژانری در این فیلم هستیم، می‌توان گفت تنها نکته این نمایش رفتار توربست‌های ایرانی به کشورهای آسیایی همچون تایلند و پاتایاست که رفتاری بدور از اخلاقیات را به نمایش می‌گذارند؛ سرزمین‌هایی که افراد به یکباره با برداشته شدن موانعی تحت عنوان شرع، عرف و اخلاق با حجم زیادی از آزادی روبرو می‌شوند؛ از اینرو می‌توان گفت فیلم «خانم یا یا» به نوعی رفتارهای افراطی و لودگی‌های توربست‌های ایرانی را در مسافرت به کشورهای آسیایی با زبان به‌ظاهر طنز تقبیح می‌کند. در حقیقت از منظر آسیب‌شناسی می‌توان

گفت افراد در جامعه ایرانی در بستر فرهنگی رشد کرده‌اند که از دوران طفولیت تا به بزرگسالی به کرات با آموزه‌های اخلاقی و دینی سروکار داشته‌است بطوریکه در هیچ ملتی به اندازه ایران از اخلاق، شرافت و انسانیت سخن گفته نشده‌است. اخلاقیاتی که باواژه‌های مختلفی همچون انسانیت، خدا، پیغمبر، صداقت، شرافت، راستگویی، پاکی وجدان، وظیفه، مسئولیتو غیره در زندگی و عمل ما به‌ظاهر نمود داشته‌است؛ براین اساس نکته حائز اهمیت آن است باوجود رشد یافتن در چنین بستری، پس چرا عملکرد اعضای چنین جامعه‌ای گویای چیز دیگری است که بازتاب اخلاق، معنویت، انسانیت در زندگانی آنان نیست!

بر این اساس باتوجه به مطالب مطرح شده

باشند: «مگه آدم با زن خودش خوش می‌گذرونه؟!» کاهانی حتی در یک دیالوگ مستقیم فارسی هم رعایت حال و هوای خانواده ایرانی را که از قضا با هم برای تماشای این فیلم آمده‌اند، نمی‌کند.

کاهانی و نیز فرخ‌نژاد، ادعا کرده‌اند که این فیلم کم‌دی نیست. پس در هنگام تماشای فیلم، خودتان را مجبور نکنید که بخندید! در عین حال، هیچ مرجع خاصی در فیلم وجود ندارد که بخواهیم براساس آن بگوئیم این فیلم اجتماعی است و کاهانی می‌خواهد انسان ایرانی را موجودی نشان

دهد که تحت تأثیر هنجارهای

تحمیلی از بالا، شادی و خوشی را از

یاد برده و نمی‌داند از موقعیت‌های

شادش چگونه استفاده کند.

همدلی یا هم‌زبانی؟

دو باجناق، فارسی حرف می‌زنند و خانم یا یا، به زبان خودش که تایلندی باشد. و جالب این جاست که مشکل هر دو طرف، حتی همدلی هم نیست؛ چون همدلی دارند: هر سه دل‌شان می‌خواهد از فرصت در پاتایا بودن لذت ببرند. دختر مدام آن‌ها را ترغیب می‌کند و در جایی که تمایل به خوش‌گذرانی سه نفره ندارند، هر بار یکی را زندانی می‌کند و با آن یکی بیرون می‌رود که بالاخره کار به جایی برسد ... اما مشکل در چیست؟ چرا این دو مرد ایرانی، این همه خود را اذیت می‌کنند و اگر قرار بوده چنین عذاب بکشند به قول خانم یا یا، بهتر نبود که در تهران می‌ماندند؟!

ماجرا شاید در همین جمله فیلم نهفته باشد که «یا یا ی ما رو دزدیدن دارن باهاش پز می‌دن»؛ این که دولت مردان ما به زعم کاهانی، به جای فکر کردن و پیدا کردن راه حل برای مشکلات ملت خود، در حال حل و فصل مشکلات کشور‌های دوست و برادر همسایه و غیره همسایه هستند و به جای بازسازی روحیه و رهاندن این ملت از افسردگی، درگیر ماجراهای برون مرزی‌اند.



دو باز یگر اصلی فیلم در بیشتر سکانش ها با نیم تنه بالای لخت حضور دارند و دوربین روی اندام آن‌ها زوم می‌کند، آن‌هم در برابر ملتی که زاننش از دیدن زانوی بدون پوشش فوتبالیست‌ها یش منقلب می‌شوند! خوب هدف کاهانی از این سکانش‌ها چیست؟

این که «زیبایی‌ها و خوشی‌های» زندگی مردم از آن‌ها گرفته شده و برای ملت‌های دیگر هزینه می‌شود. حتی اگر هدف کاهانی این بوده باشد، باز بسیار گنگ و نارسا به آن پرداخته‌است.

رک باشیم؟

فیلم، فیلم‌نامه درست و درمانی ندارد. احتمالاً اصلاً فیلم‌نامه‌ای در کار نیست. یک داستان سه خطی در جریان است که به کمک و تلاش دو چهره سینمایی که اغلب نماد بلاهت‌اند، و نیز با استفاده از جاذبه‌های زاننه خانم یا یا و آزادی‌های کشورش، به‌زور پیش می‌رود. تلخ‌ترین بخش ماجرا این است که عده زیادی با استفاده از تخفیف روز شنبه که از قضا اولین روز اکران فیلم هم هست، برای تماشای فیلم آمده‌اند و نیم ساعت پس از شروع فیلم دسته‌دسته سالن را ترک می‌کنند. این‌ها حتی اگر به امید یک فیلم کم‌دی هم آمده بودند، می‌شد با شیوهایی آن‌ها را پای فیلم نشاند. پس فیلم، داستان گو هم نیست که بتواند ملت را تا آخر در سالن نگه دارد.

دو بازیگر اصلی فیلم در بیشتر سکانش‌ها با نیم‌تنه بالای لخت حضور دارند و دوربین روی اندام آن‌ها زوم می‌کند، آن‌هم در برابر ملتی که زاننش از دیدن زانوی بدون پوشش فوتبالیست‌ها یش منقلب می‌شوند! خوب هدف کاهانی از این سکانش‌ها چیست؟ ضرورت این سکانش‌ها در پیشبرد فیلم در کجا خود را نشان می‌دهد؟

ما مخصوصاً در معرفی فیلم، به نام مدیر پروژه هم اشاره کرده‌ایم. داستان این است که این جناب، دوست داشته یک فیلم فارسی در مورد پاتایا ساخته شود با نمایش تمام جاذبه‌هایش، اما به کاه‌دان زده و انتخابش در مورد کاهانی جواب نداده. همین!

برداشتن موانع به میان می‌آید، همه افراد طالب و خواستار آن هستند؛ اما اگر برنامه‌ای مدون برای استفاده و بهره‌مندی از آن نداشته باشند، بی‌شک آزادی دردی را دوا نمی‌کند و چه بسا آنان را در گرداب سردرگمی فرو خواهد کشاند. بر این اساس یکی از عواملی که باعث می‌شود تا شاهد این حجم از هنجارشکنی مسافران ایرانی به کشورهای آسیایی باشیم سبک زندگی ناشی از توسعه‌یافتگی و بی‌توجهی به رعایت اخلاقیات و قانون‌گرایی است. از اینرو اگر خانواده‌ها از همان ابتدای دوران کودکی بجای تأکید ظاهری و شفاهی بر اخلاقیات، شرافت و انسانیت، قدری در عملکرد خویش به رعایت این اصول پایبند باشند و رعایت قانون و قاعده‌مندی را در کانون سبک زندگی خویش استوار سازند، بی‌تردید چارچوب رعایت از هنجارها در فکر و اندیشه فرزندانمان نهادینه می‌شود و به این ترتیب می‌توانند سرمایه‌های اجتماعی مفید و معقولی را به ایران عزیزمان تحویل دهند.